

# تاریخ میکوآکان

نوشته ژ.م.گ. لو کزلیو

در قرن شانزدهم نام میکوآکان Michoacán که در زبان ناهواتل Nahuatl به مفهوم 'مکان ماهی' است به شهر سرخپوستی زمین زون زان Tzn Tzun Tzán پایتخت پورهچا Porhepecha اطلاق می‌شد. اگر کتاب تاریخ میکوآکان که در واقع تنها میراث تمدن مزبور است، برایمان باقی نمی‌ماند، ما امروزه از این تمدن باستانی امریکای مرکزی بی‌خبر بودیم. این کتاب حدود سال ۱۵۴۰ به زبان اسپانیولی به رشته تحریر درآمده و ضمن شرح تاریخچه قوم پورهچا از اعتقادات و آیین مذهبی و اسامی خدایان و قهرمانان قوم گفتگو می‌نماید. لو کزلیو نویسنده فرانسوی که ترجمه فرانسوی کتاب را در سال ۱۹۸۴ توسط مؤسسه گالیمار در پاریس منتشر ساخته، در متن زیر افسانه دوره سربلندی و زوال سرخپوستان را به اختصار شرح می‌دهد.

راه دوری را پیموده‌اید؟ مگر مکزیکها به شما چه کرده بودند که وقتی وارد شهرشان شدید آنها را نابود کردید؟»

سوالات نگران‌کننده قوم پورهچا بزودی پاسخ خود را یافت و معلوم شد تازه‌واردان خواهان طلا یا «مدفوع خورشید» و مظهر قدرت مقدس هستند.

شہوت آنان برای تحصیل طلا با دریافت غنایم که به فرمان کازونسی تقدیم گردید، ارضا نشد و بدین ترتیب معابد را ویران و به قبور خدایان روی زمین بیحرمی کردند.

با ورود فاتحان همه چیز نابود شد و همانطور که پیشگویان گفته بودند، همه جا را سکوت فرا گرفت. در ۱۵۳۰ در ساحل رودخانه و در پای قلعه نوسترا آخرین کازونسی به وسیله نونو دوگازمن بعد از محاکمه‌ای نمایشی شکنجه و کشته شد. بدین ترتیب سلسله با عظمت اوکوسه‌چا Uacusecha یا عقابان بنیانگذار امپراتوری و سلسله خدایان روی زمین که آخرین نسل آنان کازونسیها بودند، محو و نابود گردید. حال نوبت شکل دیگری از زبان و گروهی دیگر از فاتحان بود تا بر سرخپوستان چیره شوند.

آنچه امروزه به عنوان میراث تمدن مزبور باقی است خاطره عظمت و شکوه دوره‌ای است که شعر و تاریخ درهم آمیخته و قلمرو پادشاهان محل سکونت خدایان هم محسوب می‌شد و ما این اطلاعات را مدیون کتابی هستیم که مقارن با آن دوره به تحریر آمده است.

اوت ۱۹۸۵

ژان ماری لو کزلیو Jean Marie G. Le Chezio مقاله‌نویس و داستان‌سرای دوره‌ای از ریشه‌های فرانسوی-موریتانی می‌باشد. در میان آثار فراوان نویسنده، علاوه بر ترجمه فرانسوی تاریخ میکوآکان از اسپانیایی به سال ۱۹۸۴، ترجمه‌های وی از زبان مایا به فرانسوی از جمله پیشگوییهایی جیلام بالام (۱۹۷۶) و داستانهای جویندگان طلا (۱۹۸۵) درخور توجه و قابل ذکرند.

افسانه‌های تاریخی و باستانی به آغاز خلقت و آفرینش زمین و ساکنان اولیه آن و ظهور خدایان و مخلوقات آنها می‌پردازد. تاریخ میکوآکان یکی از چند متن نادر و نمونه است (کتاب جیلام بالام Chliam Balam از مایاهای یوکاتان و کتاب پوپول ووه Popol Vuh از مایاهای کیشه، نمونه‌های دیگری در این زمینه هستند). در این خصوص ما مدیون غربیها هستیم که با یادداشت و ثبت وقایع به ما امکان داده‌اند تا از گذشته قومی که نقش مهمی در تمدن امریکای مرکزی ایفا نموده، آگاه شویم. در آن هنگام اولین علایم زوال و انحطاط پس از قرن‌ها سرگردانی و تحمل جنگهای قبیله‌ای، در آن قوم پدیدار شده بود.

در زمان تحریر کتاب توان و قدرت جنگی پادشاهی پورهچا با دادن تلفات سنگین و ویرانی معابد و سرنگونی خدایان و بدتر از همه اسارت تجسم خداوند بر روی زمین، یعنی Cazonci Tangaxoan Tzintzicha، به دست یک اسپانیایی فاتح به نام نونو دوگازمن بکلی از دست رفته بود. در دل جنگجویان قوم از ترس آنکه مبادا این تازه‌واردان مقدس و آسمانی باشند، چنان بیم راه یافته بود که مسئله جنگ را به کنار می‌گذارد. بنا بر این سرخپوستان هدایایی به رسم تعارف و نیایش برای تازه‌واردان فرستادند، ولی بزودی متوجه شدند که هدف آنها اجابت دعاهای سرخپوستان و دریافت هدایا نیست بلکه آمده‌اند تا به گفته‌های پیشگویان بومی درباره سرنوشت شوم قوم جامه عمل بپوشانند.

اخبار سقوط امپراتور رقیب، تنوچتیتلان، نه تنها موجب تسلی کازونسی نگردید بلکه او را بیشتر متغیر ساخت. وی از مونتانو، اولین اسپانیایی که به قلمرو او پا نهاده بود، پرسید: «که هستی؟ از کجا می‌آیی؟ چه می‌خواهی؟ چرا ما هیچگاه مطلبی درباره افرادی نظیر شما نشنیده‌ایم؟ چرا از سرزمینهای دور به اینجا آمده‌اید؟ مگر در سرزمین خودتان آب و خوراک نیست که برای آشنایی با اقوام بیگانه چنین



Photo Jean-Loup Chamet © Real Biblioteca de El Escorial and Ediciones Aguilar, Madrid

ورود اولین اسپانیاییها به سرزمین میکوآکان. کازونسی (پادشاه) در مقر خود فرمان می‌دهد تا به بیگانگانی که خدا پنداشته می‌شدند، هدایایی تقدیم شود.